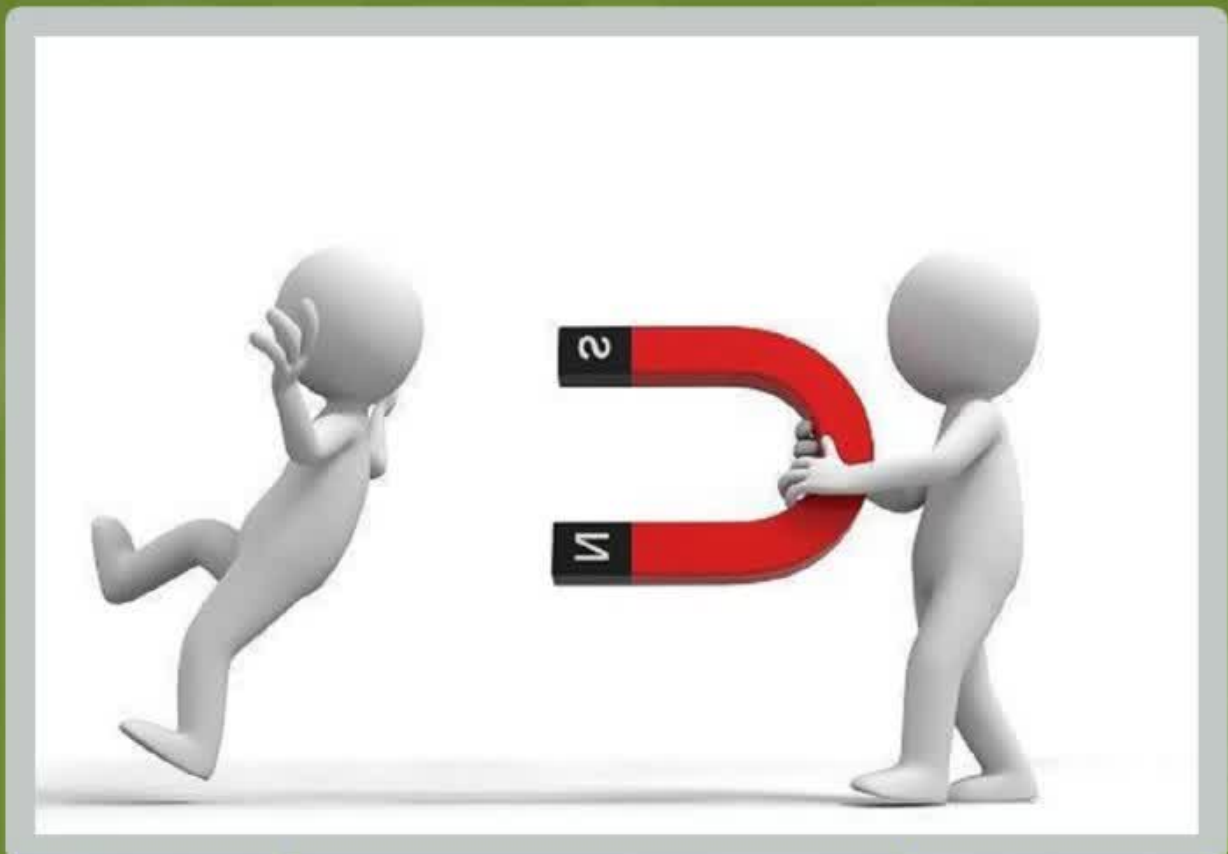


میلادی ۲۳ آگوست ۲۰۲۱
قمری ۱۴ ذی الحجه ۱۴۴۳
شمسی اشهریور ۱۴۰۰



ماهنامه سیاسی فرهنگی
آقای وکیل



شیوه افزایش محبوبیت از دیدگاه امامیه چیست؟
تعریف طلاق.....
پیام ها و پیامد های نهضت عاشورا چیست؟

شماره ۴

شماره مجوز: ۲۳۹۲/د/۹-۱۱/۰۳/۱۴۰۰

فهرست

- ① شنا سنامه نشریه.....
- ② فهرست.....
- ③ شیوه افزایش محبوبیت از دیدگاه مذهب امامیه... ..
- ④ تعریف طلاق از منظر خانواده.....
- ⑤ نهضت عاشورا، پیام‌ها و پیامدها.....

شناسنامه نشریه



سر دبیر نشریه
امیرحسین غلامی تورانه‌ئی
@_gholami313



مدیر نشریه
محمد مهدی لطیفی سیدآبادی
@_mehdi_latifi



نشریه آقای وکیل
@mr.lawyer57



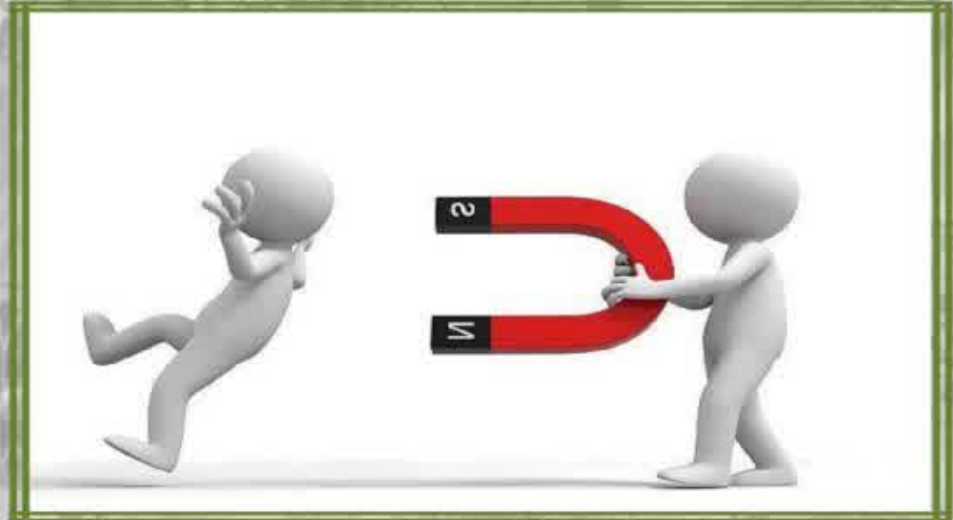
مدیر رسانه
امیرحسین محمدزاده
@amirhossein_mz133



سرپرست مترجمین
رضا سامی رشید
@magical96_



محمد مهدی لطیفی سید آبادی
کارشناسی فقه و مبانی حقوق



می یابد، هر چه ارتباط میان افراد بیشتر شود ضامن کیفیت و دوام ارتباط میان آن ها خواهد بود، البته باید توجه داشت که در ابتدا لزوماً نباید این ارتباطات جنبه عاطفی به خود بگیرد، بلکه غرض در اصل اول صرفاً کثرت در ارتباط می باشد، آن هم نه از حیث متمرکز بلکه مقطعی، با بیانی دیگر شیوه ارتباط با موضوع له باید به صورت بلند مدت و مقطعی باشد نه کثرت ارتباط در یک بازه زمانی کوتاه و اندک چرا که در این صورت به طور قطع برای مبتدیان نتیجه عکس خواهد داشت.

یکی از سفارشات که در دین به تواتر نقل شده است کثرت ارتباط با افراد است، حضرت علی علیه السلام در رابطه با ارتباط مداوم با افراد اینگونه می فرمایند: **صَلِّهِ الرَّحِمُ تَوْجِبُ الْمَحَبَّةَ وَتَكْتِبُ الْعَدُوَّ**؛ صله رحم، محبت آور است و دشمنی را از بین می برد.

أخبر الحکم، ج ۱۵۸۵۲

اصل دوم: تأثیر پذیری غیر ارادی

شاید اغلب ما این سخن که هر عملی عکس عملی را به دنبال دارد شنیده باشیم، بر اساس قواعد بدیهی عقلی هر کنشی در عالم واکنشی به همراه خواهد داشت، اگر شخصی به شما علاقه داشته باشد و شما را از این علاقه نسبت به خود آگاه سازد شما نیز بنا به فطرت و طبیعتی که از آن برخوردار هستید ناخداگاه نسبت به آن فرد علاقه مند خواهید شد، اما این نکته را باید توجه داشت که در اوایل شکل گیری روابط منحصر ابراز علاقه به صورت غیر مستقیم باید منتقل شود مخصوصاً اگر شخص مقابل شما جنسیتش مونث باشد، چرا که اساساً زن ها امنیت طلب و در ارتباطات جمعی غالباً بنا به سوء استفاده های احتمالی محطات گرایانه عمل می کنند، زمانی که توانستید به شخص مقابل امنیت

شیوه افزایش محبوبیت از دیدگاه مذهب امامیه

آیا تا بحال شده است بخواهید نظر فردی را به خودتان جلب کنید؟ آیا طریقه عاشق کردن و افزایش محبوبیت را میدانید؟ خلاف تمام تصورات اشتباهی که در ذهن اغلب انسان ها وجود دارد جلب توجه و عاشق کردن افراد نه تنها کار سختی نیست بلکه با رعایت و نظم بخشیدن به نکات ارتباطی ساده ای که در روز با آن سر و کار داریم بسیار ساده و آسان است، غرض نویسنده از تحریر این مقاله بیان اصول مهارت های جلب توجه و شیوه افزایش محبوبیت از دیدگاه مذهب امامیه است.

بنا به حکم عقل و مبانی عقلی هیچ گاه نمی توان عاشق شدن را امری تصادفی و غیر ارادی دانست، چرا که اساساً دوست داشتن و یا دوست نداشتن افراد تحت تاثیر مجموعه ای از افعال غیر ارادی انسان می باشد که در روابط و تعاملات اجتماعی پا به عرصه ظهور می گذارد، حال اگر فردی بتواند این افعال غیر ارادی را مدیریت و سازماندهی کند به طور قطع در دوام ارتباطاتش می تواند موفق ظاهر شود.

در هر فعل و کنشی شناخت یکی از مهم ترین مبانی موفقیت به شمار می آید، نه تنها در ارتباط با افراد بلکه در هر کنشی باید نسبت به موضوع له به صورت کامل و صحیح شناخت حاصل شود، هر چه میزان شناخت از موضوع له بیشتر باشد فرد نسبت به موفقیت قرابت بیشتری خواهد داشت.

اصول مهارت های ارتباطی:

اصل اول: کثرت ارتباط

طبق تحقیقات صورت گرفته در حوزه روانشناسی هر چه انسان در بستر تحرک قرار بگیرد وابستگی و ایجاد علاقه در او افزایش

میتواند نتایج عکس به دنبال داشته باشد.

قرآن کریم درباره کمک به دیگران اینگونه می فرماید: «ما أنفقتم من شیء فهو یخلفه» هر چیزی را انفاق کنید پاداش دارد؛ چه اندک باشد چه کثیر؛ **سوره سبأ، آیه ۳۹** هر کمک ناچیزی هم می تواند در جای خود نقش بسیا بزرگی را ایفا کند، گاهی یک برگ در یک حوض آب کشتی چندین مورچه می شود.

اصل پنجم: ثبات شخصیتی

افراد غالباً با توجه به طبیعت و فطرتی که از آن برخوردار هستند، خودپسندی و غرور را جزء صفات ناپسند و قبیح به شمار می آورند، غرور به طور کلی در هر شرایط و موقعیتی محبوبیت انسان را در اجتماع و روابط تابع آن کاهش میدهد، اما با در نظر گرفتن مفهوم مخالف از قاعده ای که از بیانش گذشتیم غرور به صورت جزئی نقش بسیار تاثیر گذاری را در ایجاد علاقه و محبوبیت در روابط و تعامل اجتماعی ایفاء میکند، با بیانی ساده تر هر چه انسان ها از افراد مغرور و خود پسند دوری می کنند به همان میزان نسبت به افرادی که شخصیتی جدی دارند تمایل و احساس قراب می کنند.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: **إذا أَحَبَّتْ رَجُلًا فَلَا تَمَازَحْهُ وَ لَا تُمَارِهْ**؛ هر گاه کسی را دوست داشتی، با او نه شوخی کن نه مجادله **آقای، جلد ۲، صفحه ۶۶، حدیث ۱۹** و در حدیث دیگری حضرت در باره غرور می فرماید: **ما من أحد یثیبه إلا من ذلّه یجدها فی نفسه**؛ هیچ کس نیست که تکبر ورزد، مگر بر اثر خواری و حقارتی است که در خود می بیند. **آقای، جلد ۲، صفحه ۱۳۱۲**

اصل ششم: عدم استتار خطا

به طور قطع هیچ انسانی کامل نیست و امکان اشتباه در هر انسانی وجود دارد، بهترین عکس العمل در هنگامی که خطایی را مرتکب میشوید، نپوشاندن و عدم استتار آن است، چرا که اغلب انسان ها به کسانی که خطا هایشان را نمی پوشانند تمایل بیشتری دارند، البته انسان های بدون نقص و کمال گرا بنا به حکم عقل جزء گزینه های مطلوب بشمار می آیند اما مونتات در آغاز دوره جوانی اکثراً از تصمیمات منطقی به دور هستند و غالباً تصمیمات احساسی میگیرند که با گذشت زمان و کسب تجربه در شکست های گذشته رفته رفته تصمیماتشان رنگ و بوی مبانی منطقی گرفته و نگرشی احساسی منطقی نسبت به مسائل دارند، این نکته را باید توجه داشت که اشتباه ظاهر شده نباید جزء اشتباهات خود و یا تعرض به خطوط قرمز شخص مقابل باشد، بردن آبرو خود از دیدگاه مذهب امامیه مطلقاً حرام تلقی میشود و عبور از خطوط قرمز شخص مقابل نیز ممکن است نتیجه عکس به دنبال داشته باشد.

امام علی علیه السلام علیه السلام در این باره میفرماید: **لا تَفْعَلْ**

را هدیه داده و اطمینان کافی را برای او حاصل کنید می توانید وارد مرحله ابراز علاقه به صورت مستقیم بشوید.

امام صادق علیه السلام در همین رابطه می فرمایند: هنگامی که کسی را دوست میداری، او را از این محبت آگاه کن، زیرا این کار، دوستی بین شما را محکم تر می کند. **آقای، ج ۲، ص ۶۶۴، حدیث ۱۲**، اظهار محبت باعث دلگرمی، ایجاد هماهنگی و ارتقاء ظرفیت گذشت در روابط و تعاملات اجتماعی می شود و زمینه پوشاندن عیوب و بارز جلوه دادن ویژگی های مثبت را فراهم می کند.

اصل سوم: گریز از تضاد و اختلاف

به طور قطع اکثر انسان ها ناخواسته از اختلاف و تضاد دوری می جویند و به دنبال توافق و هماهنگی در تمامی ابعاد زندگیشان هستند، اگر میخواهید فردی از شما خوشش بیاید و به شما اظهار محبت کند یکی از بهترین راهکارها ایجاد توافق و هماهنگی در تمامی ابعاد رفتاری است، سعی کنید نظرات فرد مقابل را تایید و در اکثر اوقات تحسین کنید و اگر نظری اشتباه و نادرست نسبت به او در ذهنتان آمد در غالب پیشنهاد و به صورت غیر مستقیم به فرد مقابل منتقل کنید، اغلب سعی داشته باشید که عقائدتان را یکپارچه و هماهنگ نشان دهید و شخص مقابل را به این هماهنگی ایجاد شده عالم سازید.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: **ازالهُ الجبال أهونُ من ازالهُ قلب عن موضعه**؛ جا به جایی کوه ها آسان تر است از اینکه قلبی را از جایش بزرکنیم و به جای دیگر بریم **تحف العقول / جلد ۱ / صفحه ۱۰۷** اختلاف نظر امری لاینفک در بین جوامع بشری است و به هیچ وجه نمی توان جامعه ای را تصور کرد که در آن اختلاف نظر وجود نداشته باشد، عقل تمامی انسان ها در تجزیه و تحلیل های خرد و کلان دارای شدت و ضعف قابل ملاحظه ای است، این شدت و ضعف ها دلیل اصلی اختلافات در جوامع بشری محسوب می شوند، بهترین راهکار برای ایجاد صمیمیت و دوام ارتباطات رعایت اصل هماهنگی و یکپارچگی در رفتار و عقائد است، شما باید فرد مقابل را همان گونه که هست به پذیرید و با نگرش ایجاد تغییرات اساسی به او نزدیک نشوید.

اصل چهارم: نجات از مشکلات

بر طرف کردن مسائل و مشکلات افراد ناخواسته در ما حس بسیار خوبی را ایجاد می کند، اگر می خواهید نظر کسی را نسبت به خود جلب کنید از او برای حل مشکلاتان کمک بگیرید، لزوماً نباید مشکلات شما بزرگ و یا سخت باشد، بلکه حل مشکلات کوچک و یا ساختگی نیز برای فرد مقابل می تواند زمینه ساز تشکیل محبت و علاقه مندی باشد، این نکته را باید توجه داشت که مشکلات شما نباید آنقدری سخت و بزرگ اراده شود که شخص مقابل از توان انجام آن عاجز باشد چرا که این عمل نیز

ما یَشیئُ العَرَضُ والاسمُ ، هیچ وقت به کاری که باعث بدنامی و
لطمه زدن به حیثیت تو شود اقدام مکن **افهیرست غور الحکیم ص**
۱۳۴۲

در یک نگاه کلی باید گفت ارتباط مداوم و مؤثر ، هماهنگی در
عقائد و علایق ، ابراز علاقه به صورت مستقیم و غیر مستقیم ،
تحریک حس ترحم و ایجاد وابستگی ، جدیدیت و ثبات نسبی در
شخصیت ، نبوشاندن و عدم استتار خطا می تواند به ما در جذب
محبوبیت و عاشق کردن افراد کمک کرده و ما را در این مسیر
موفق گرداند ، لازم به ذکر است به جهت محدودیت های نوشتاری
از توضیح مبسوط اصول مذکور استنکاف ورزیدیم و ادامه مباحث
را ان شاء الله در شماره های آتی نشریه در خدمت شما عزیزان
هستیم.....



سید پارسا فرهنگ
کارشناسی فقه و مبانی حقوق

تعریف طلاق:

موارد اینگونه مشاوره ها باعث حل اختلافات می شود و باعث می شود که کانون خانواده از هم نباشد.

تعریف طلاق در قوانین ایران:

در تعریف طلاق باید گفت این واژه از ریشه طلق و به معنای رهایی و آزاد کردن است و به جدایی زن و شهر و پایان زندگی مشترک به صورت قانونی اطلاق می شود.

طلاق طبق قانون مدنی ایران از اختیارات مرد است. به همین دلیل در ماده ۱۱۳۳ اینگونه مقرر می دارد

«مرد می تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد.»

قانون مدنی بر طبق فقه شیعه دوازده امامی نوشته است. اما پیروان ادیان و مذاهب دیگر که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده اند طبق قانون طلاق و احوال شخصیه، می توانند بر طبق دین و آیین خود طلاق بگیرند. طبق اصول دوازدهم و سیزدهم فقط ادیان مسیحی، کلیسی و زرتشتی در ایران به رسمیت شناخته می شوند از سوی دیگر مذاهب اسلامی حنفی، شافعی، حنبلی، مالکی و زیدی نیز در بحث طلاق از فقه و آیین خودشان پیروی می کنند.

انواع طلاق:

طلاق هم مثل بسیاری از امور حقوقی انواع و تقسیم بندی ها مختلفی دارد که ما در ادامه به تعدادی از مهم ترین و پرکاربردترین آن ها اشاره خواهیم کرد. طلاق به اعتبار اینکه به درخواست مرد باشد یا به درخواست طرفین باشد یا به حکم دادگاه به دسته بندی های مختلفی تقسیم می شود. اما در ماده ۱۱۴۳ قانون مدنی یک دسته بندی کلی برای طلاق ذکر شده است که

در تعریف طلاق گفته شده طلاق عبارت است از انحلال نکاح دائم با شرایط و تشریفات خاص از جانب خود یا نماینده او بنابراین طلاق ویژه نکاح دائم است و انحلال نکاح منقطع (متعهد) از طریق بذل یا انقضاء مدت صورت می گیرد. (ماده ۱۱۳۹ ق.م) طلاق مخصوص عقد دائم است و زن منقطعه با انقضاء مدت یا بذل آن از طرف شوهر از زوجیت خارج می شود. از نظر ماهیت حقوقی، طلاق ایقاعی است که از سوی مرد یا نماینده او واقع می شود. حتی در مواردی که طلاق توافقی بر اساس توافق زوجین که شرط یا انگیزه طلاق می باشد، غیر از خود آن است.

تعریف طلاق از منظر حقوقی:

طلاق به معنی پایان قانونی زندگی مشترک و جدا شدن همسران از یکدیگر است. در هنگام ازدواج همه زوجین فکر می کنند که زندگی مشترک آن ها پایان بسیار خوشی خواهد داشت و یک عمر به خوبی و خوشی در کنار هم زندگی خواهند کرد. اما به مرور مشکلات و اختلافات خود را نشان می دهند مشکلات و اختلافات در زندگی مشترک امری گریز ناپذیر است. در این امر یا زوجین توان مدیریت اختلافات را ندارند و مشکلات خود را حل می کنند یا اختلافات عنان زندگی را از دست آن ها خارج کرده و دیگر راهی برای ادامه زندگی باقی نمی گذارد.

در این صورت راهی غیر از طلاق برای زوجین باقی نمی ماند. طلاق که همیشه از آن به عنوان آخرین راه یاد می شود معمولاً پیشنهاده می شود قبل از اینکه زوجین به آن فکر کنند حتماً به مشاورین خانواده و روانشناسان متخصص در این حوزه مراجعه کنند و مشکلات خود را با آن ها در میان بگذارند. در بسیاری از

همه انواع طلاق را به نحوی در خود جای می دهد. در این تقسیم بندی طلاق به دسته اصلی تقسیم می شود: ۱- طلاق بائن ۲- طلاق رجعی

طلاق رجعی به چه معناست؟

طلاق رجعی یکی از انواع طلاق است که در آن تحت شرایطی مرد می تواند در مدت عده به زن رجوع کند. به عبارت دیگر یعنی مرد در صورتی که از طلاق پشیمان شود و عده طلاق نیز به پایان نرسیده باشد، می تواند به سراغ زن برود و زندگی را از سر گرفته و بدون هیچگونه تشریفات دیگری به زندگی خود ادامه دهند. حتی به عقد دوباره نیز نیاز ندارند. این نوع طلاق انواع مختلف و شرایط خاصی دارد که به آن ها می پردازیم.

مفهوم عده چیست؟

زنی که از دواج او به هر علتی منحل شده است باید مدت زمانی را صبر کند و از ازدواج با مرد دیگری خودداری نماید. مثلاً زنی که طلاق گرفته است یا عقد نکاح خود او به هر دلیلی فسخ شده یا شوهر او فوت نموده است تا مدتی حق ازدواج ندارد و در صورتی که در این مدت ازدواج نماید، عقد نکاح باطل خواهد بود و چنانچه با علم به این موضوع اقدام به ازدواج مجدد و برقراری رابطه جنسی نموده باشد، رابطه او در حکم زنا خواهد بود.

ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی نیز عده را اینگونه تعریف می نماید:

«عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی تواند شوهر دیگر اختیار کند»
اما عده خود انواع مختلفی دارد که از بحث ما خارج است و ما در اینجا صرفاً به عده طلاق به دلیل امکان رجوع در طلاق رجعی می پردازیم.

چه طلاق هایی رجعیه هستند؟

۱- طلاق به درخواست مرد:

همانطور که پیش تر به آن اشاره کردیم طبق ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی طلاق یکی از اختیارات مرد است و مرد هر زمان که بخواهد می تواند همسر خود را طلاق دهد. هر چند در چند سال اخیر به دلیل حمایت از نهاد خانواده این موضوع با محدودیت هایی مواجه شده است و در هر صورت برای طلاق باید به دادگاه مراجعه کرده و رای دادگاه را برای این موضوع اخذ نمود اما همچنان طلاق یکی از حقوق قانونی مرد است و طلاق به درخواست مرد یکی از مهم ترین انواع طلاق است.

مرد در این نوع طلاق در صورتی که مدت عده زن به پایان نرسیده باشد حق رجوع وجود دارد. به عبارت دیگر بدون اینکه نیازی به عقد مجدد باشد مرد می تواند به زن رجوع کرده و به زندگی مشترک بازگردد. عده در این نوع طلاق در ماده ۱۱۵۱ قانون مدنی به این شرح مشخص شده است:

«عده طلاق و عده فسخ نکاح سه طهر است مگر این که زن با اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت عده او سه ماه است»

در توضیح این ماده باید گفت که طهر به معنای پاکی است. یعنی اینکه زن باید سه بار به عادت ماهانه دچار شده و این دوره را به پایان برساند و به اصطلاح فقهی سه بار خون حیض ببیند و از آن پاک شود. زن پس از گذران این دوره که به آن عده گفته می شود می تواند دوباره ازدواج کرده و شوهر جدید اختیار کند. اما تا قبل از پایان آن در تعریف طلاق رجعی مرد حق رجوع به زن خود را دارد و در صورت رجوع زندگی زناشویی از سر گرفته می شود.

در این باره باید اضافه کرد با توجه به اینکه این نوع طلاق به درخواست شوهر صورت گرفته است لذا به شوهر فرصت پشیمانی از آن نیز داده شده است. لذا اگر بخواهد که به زندگی مشترک بازگردد می تواند از طلاق رجوع نماید و برای این کار نیازی به رضایت زن ندارد.

۲- طلاق خلع و مبارات در صورتی که زن رجوع به عوض کند: طلاق خلع و مبارات نیز از انواع طلاق هستند که به موجب کراهت زن از مرد یا کراهت هر دو طرف از یکدیگر صورت می گیرد. طلاق خلع و مبارات را به تفصیل در بخش مربوط به خود توضیح خواهیم داد.

اما باید دانست در این نوع طلاق زن برای اینکه مرد به طلاق رضایت دهد میزان مشخصی از مال را به او می دهد. این نوع طلاق از نوع بائن (غیر قابل رجوع) است ولی اگر زن از وجهی که به شوهر خود پرداخت کرده رجوع کند و آن را از شوهر خود پس بگیرد طلاق بائن تبدیل به طلاق رجعی می گردد و قابلیت رجوع پیدا می کند. پس در این صورت زن می تواند وجه پرداختی را از شوهر خود مطالبه و آن را پس بگیرد و شوهر نیز از طلاق رجوع کند و بدون نیاز به عقد نکاح دوباره، زن و شوهر به زندگی سابق خود بازگردند. پس طلاق خلع و مبارات پس از رجوع زن از بذل مال به طلاق رجعی تبدیل می گردد.

چگونه می توان از طلاق رجوع کرد؟

همانطور که گفتیم در طلاق رجعیه مرد می تواند رد زمان عده طلاق به زن رجوع نماید تا زندگی مشترک را ادامه دهند. اما این رجوع چگونه اتفاق می افتد؟ آیا نیاز به تشریفات خاصی دارد؟ قانون گذار برای حمایت از نهاد خانواده و جلوگیری از فروپاشی آن در طلاق به درخواست مرد پیش بینی نموده که همانگونه که مرد می تواند زن را طلاق دهد ممکن است از عمل خود نیز پشیمان شود لذا می تواند به زن رجوع کرده و زندگی مشترک را دوباره ادامه دهد. این کار نیاز به تشریفات خاصی ندارد و چنانچه قصد رجوع وجود داشته باشد و احراز شود صرفاً با هر حرف یا عملی که قصد مرد مبنی بر رجوع از آن استنباط شود محقق می

گردد. مثلاً در آغوش گرفتن زن، برداشتن حجاب او، بوسیدن و یا حتی یک نگاه محبت آمیز که حاکی از قصد مرد بر رجوع باشد. پس اصولاً رجوع نیاز به تشریفات خاصی ندارد اما با توجه به اینکه این کار و عدم اطلاع دولت از وقایع مهمی مثل ازدواج و طلاق می تواند نظم اجتماعی را بر هم بزند، قانونگذار مرد را مکلف کرده که رجوع از طلاق را به اطلاع سازمان ثبت برساند. برای این کار مرد باید به دفترخانه ای که صورتجلسه طلاق در آن تنظیم شده مراجعه کند و رجوع خود از طلاق را در آن به ثبت برساند. در غیر این صورت به مجازات حبس تعزیری درجه هفت (۹۱ روز تا شش ماه) یا جزای نقدی محکوم خواهد شد. این کار برای حمایت بیشتر از حقوق زنان انجام شده و راه هرگونه سوء استفاده مردان از آنها در این حوزه می بندد.

رجوع از طلاق چه اثری دارد؟

ادامه دارد.....



امیر حسین غلامی تورانه‌ئی
کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی



آن می‌تواند چراغی فراروی نخبگان امروز باشد. در این مجال کوشیده‌ایم - در حد اختصار - پاره‌ای از این پیام‌ها را گزارش کنیم.

(۱) شهامت حسینی

شهامت از الفبای حماسه‌ی حسینی است. ترس و بزدلی در پیشگاه این نهضت زبون است.

در دوره‌ی زندگی حضرت، به ویژه در حرکت شکوهمند عاشورایی سخن و حرکتی که رنگ مایه‌ی هراس و خوف داشته باشد وجود ندارد، صلابت و استواری امام، به گونه‌ای است که کارگزاران اموی و حتی عناصر به اصطلاح خیر خواه، در مقابل عظمت آن کوچک و از درک آن ناتوانند. گو اینکه پاسخ‌های صریح و قاطع امام بسیاری را به خود استیضاحی در می‌آورده است.

رفتار و سخنان امام از زمانی که موضوع بیعت یزید طرح شد تا روز عاشورا و شهادت، آهنگی همگون دارد مقایسه‌ی سخنانی که در گشایش صوری مدینه نقل شده با آنچه در حصار تنگ شهادت رسیده یکسان است، گویی همه چیز تحت الشعاع اراده‌ی آسمانی قرار گرفته و عنصر ترس از مرگ و اسارت به زانو در آمده است. پاسخ قاطع امام به دو برادرش محمد حنفیه و محمد اطرف ۲ و ام سلمه ۳ که از سر دلسوزی، امام را از حرکت منصرف می‌کردند و اخبار رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام را در مخاطره آمیز بودن حرکت نقل می‌نمودند، گویای همین موضوع است.

امام در مقابل اصرار بیش از حد برادرش محمد حنفیه تصریح می‌کند که:

یا اخی لولم یکن فی الدنیا ملجا و لامأوی لما بایعت یزید بن معاویه

نهضت عاشورا، پیام‌ها و پیامدها:

همچون انقلاب توابین، انقلاب سادات مدینه، انقلاب مختار، انقلاب بطرف مغیره، و... امام حسین، همچنین اسلام شیعی را به خوبی بارور ساختند و همایش‌های مکرر و ماندگاری را از خود برای همیشه به جای گذاشتند و بدین‌سان در جنبه‌ی پیام‌ها و پیامدها، این نهضت سر آمد همه‌ی نهضت‌های بزرگ تاریخی است و از این رو الهام بخش همه‌ی نهضت‌ها و حرکت‌های شکوهمند است.

نهضت حسینی یگانه حماسه‌ای است که تاریخ را متحول و مرزهای حق و باطل را تبیین کرده است. این نهضت در زمانه‌ی آغاز شد که آموزه‌ها و تعالیم اسلامی وارونه معرفی می‌شد و جامعه‌ی دینی در مسیر انحراف از اهداف و زیر سازهای خود گرفتار آمده بود و به تدریج به دوره‌ی جاهلیت پیشین سوق داده می‌شد و با اشرافی‌گری و تجمل‌خواهی از آرمان خود فاصله می‌گرفت و زمینه را برای حکومت ناصالحان و منافقان که در قیافه‌ی مسلمانی در آمده بودند، فراهم می‌آورد.

در چنین جامعه‌ای امام حسین علیه السلام نماد ارزش‌های خاموش گردید و فریاد در گلو مانده اسلام شد و علم اصلاحات را برافراشت.

حقیقت این است که نهضت عاشورا هر چند در زمان و مکانی محدود انجام شد، اما شعاع تأثیر گذاری آن دنیای اسلام را فرا گرفت و به نمادی آرمانی برای آزادی خواهان حقیقت طلب تبدیل گشت و معیار عزت و سعادت مندی گردید.

الف) پیام‌ها

در مجموعه‌ی نهضت عاشورا آموزه‌های زیادی است که هر فراز

و نهی از منکر بپاخیزم.

امام رضایت الهی را مبنای حرکت خود خانم و معیار سنجش قیام ها و خیزش های انقلابی در جهان می داند. در آموزه های حسینی وقتی رضایت الهی شناسنامه ای حرکت های اصلاح گرایانه شد، نهضت با وجود تلخکامی های ظاهری، گوارا می شود و به جاودانگی می پیوندد.

۹) ارزش های حسینی

کاروان حسینی آینه همدلی و یکرنگی است. در این کاروان بر خلاف کاروان یزیدی که کمی آن سوتر خیمه زده است کسی به گذشته های طبقاتی نمی اندیشد، بر خود نمی بالد و یا خود را به خاطر رنگ، قد و خانواده کم نمی گیرد. ملاک در کاروان حسینی ارزش های انسانی است. خیمه گاه حسینی هم جوان دارد و هم پیر، هم صحابی پیامبر و علی دارد و هم کودک و نوجوان و جوان، سپاه دارد و سفید اما این همه رنگی ندارد گویا اینکه امام می خواهد سنت پیامبر را در نفی نژاد و تبعیض احیاء کند.

جون بن حری که عمری در جوار امام زندگی کرده است وقتی با اصرار و سماجت به امام عرض می کند: لا و الله لا افارقکم حتی یختلط هذا الدم الاسود مع دمانکم.

امام برای ایشان چنین دعا می کند: اللهم بیض وجهه و طیب ریحته و احشره مع الابرار و عرف بینه و بین محمد و آل محمد.

۱۰) رسالت حسینی

دین در آموزه های امام حسین علیه السلام از همه چیز مهم تر است. حساسیت در مقابل سرنوشت دین هیچ ملاحظاتی را بر نمی تابد و هیچ اما و اگر را نمی پذیرد.

امام در روز دوم محرم پس از توقف کوتاه در میان یاران و خاندان خویش قرار گرفت و مراتب نگرانی خود را پیرامون سرنوشت دین و ارزش های دینی و نیز رسالت مسلمانان چنین ابراز داشت:

پیش آمد ما همین است که می بینید. اوضاع زمان تغییر کرده، زشتی ها آشکار شده و فضیلت ها و ارزش ها از محیط ما رخت بسته است. از فضائل انسانی جز اندکی (چون مانده ی ته ظرف) بیشتر نمانده است. مردم در زندگی ننگین و ذلت باری به سر می برند. شایسته است در چنین محیط ننگین شخص با ایمان و با فضیلت فداکاری و جانبازی کند و به سوی فیض دیدار پروردگار بشتابد مردم برده های دنیا هستند و دین لقلقه زبانشان می باشد. حمایت و پشتیبانی آنها از دین تا آنجاست که زندگیشان در رفاه است.

ب) پیامدها

نهضت امام حسین همان گونه که پیشتر اشاره داشتیم هر چند در مقطع زمانی و مکانی محدود انجام گرفت و اگر چه نیم روزی در پیابانی دور از آبادی به وقوع پیوست، اما پیامدهای زیادی را پدید آورد شاید کسی گمان نمی کرد که پیامد این کاروان کوچک به این میزان بزرگ و گسترده باشد. ایانخبگان سیاسی و اجتماعی وقت

روح نهضت حسینی متجلی است در فرازی از زیارت مقدسه خطاب به امام علیه السلام می گوئیم: اشهد أنك قد اقامت الصلوة و اتیت الزکوة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر.

۶) لطف حسینی

امام کانون رحمت الهی و حجت خداوند است. او با همه ی بی حرمتی و عهد شکنی ای که از مسلمانان دید، دمی از خیر خواهی و نصیحت ایشان دست نکشید. امام در مدینه نماد مهرورزی و حلقه ی وصل و نقطه ی عطف مسلمانان و یاران رسول الله بود و در مسیر هجرت بیدارگر خویش نیز دمی از تبیین خیر و صلاح امت و ارشاد ایشان باز نماند.

در منزل بنی مقاتل وقتی عبید الله بن حر جعفی با امام هم منزل شد و از تشریف به حضور حضرت امتناع کرد، امام پس از آگاهی از این جریان شخصا ایشان را ملاقات، نصیحت استمالت و خیر خواهی کرد و به رغم سابقه ی تاریک وی به او وعده ی آموزش گناه داد؛ هر چند او نیز همچون بسیاری دیگر لیاقت همراهی را نیافت و نادم زیست و مرد.

امام خود بارها سران لشکر کوفه را به نام نصیحت کرد و حتی ابن سعد، سرکرده ی سپاه، را چندین بار اندرز و هشدار داد.

۷) نماز حسینی

امام روز پنجشنبه، نهم محرم، برادرش عباس را به سوی لشکر ابن سعد فرستاد تا از دشمن برای یک شب برای دعا، نیایش و تلاوت قرآن مهلت طلب کند.

در ظهر فردای آن روز هم با یادآوری ابوثمامه ی صائدی به رغم مخالفت، زیر باران تیر و نیزه ی دشمن به نماز ایستاد و وفاداری خود و یارانش را در آخرین لحظه های حیات به اثبات رسانید و تاریخی ترین دفاع را از نماز به نمایش گذاشت، چرا که نماز در تعالیم حسینی معنی بخش و تحول آفرین است.

۸) خلوص حسینی

بر اساس مستندات تاریخی، امام حرکت خود را از جوار مضجع مبارک پیامبر با این نیایش آغاز کرد:

اللهم انی احب المعروف و انکر المنکر و انا اسالک یا ذالجلال و الاکرام بحق القبر و من فیه الاخترت بی ما هولک رضا ولرسولک رضا.

و آخرین فراز آن را با این جمله به پایان برد:

الهی صبرا علی قضائک یا رب لا اله سواک یا غیاث المستغیثین. این دو مناجات اگر چه در دو موقعیت خاص به آستان الهی انجام شده است، اما در یک مدار و مبتنی بر یک هدف مبنای حرکت امام را تشکیل می دهند. این شیوه نشان از این حقیقت است که

۴ و در آخرین نامه‌ای که از کربلا برای ایشان و افراد قبیله‌ی بنی هاشم فرستاد نوشت:

۴) اندرز حسینی

در شقاوت و ناکامی‌های معنوی آدمی عوامل متعددی مؤثرند. پاره‌ای از آنها ملموس و برخی ظریف و به ظاهر نامحسوسند. یکی از عواملی که در انحراف آدمی مؤثر است، بی‌مبالاتی در مسائل معیشتی و ناپرهیزی در مشروعیت هزینه‌های زندگی است و همین خود ریشه بسیاری از انحرافات بزرگ اجتماعی واقع می‌شود و قادر است جامعه‌ای بزرگ را در سرآشیب سقوط قرار دهد. شکم پرستی و اسیر سفره‌های رنگین شدن و ناپرهیزی در مسائل معیشتی یکی از عوامل ناکامی مردم کوفه در همراهی با نهضت حسینی گردید و شرافت را از ایشان ستاند و نفسشان را از کرامت انسانی تهی ساخت.

این موضوع به ظاهر کوچک سرانجام سران کوفه را علی‌رغم درک حضور امام علی علیه‌السلام و دعوت رسمی از حسین بن علی علیه‌السلام در آزمون دنیا و آخرت مردود نمود. لقمه‌های شیرین بی‌زحمت و هدایای نامشروع حکومتی، دل سران قبایل را از جذب شدن در آفتاب معنویت محروم ساخت و ایشان را در مصاف با عقاید خویش قرار داد. امام علل مخالفت مردم کوفه و عناد آنان را چنین افشا می‌کند:

قد انخزلت عطیاتهم عن الحرام و ملئت بطونهم عن الحرام فطبع الله علی قلوبکم

و البته که این هشدار مرز و زمان نمی‌شناسد و نسلی خاص را در بر نمی‌گیرد، بلکه در ابدیت زندگی‌های بشری در عاشورای سال ۶۱ هجری و عاشوراهای انتخاب مرزهای حق و باطل، سرنوشت سازترین تعلیم و آموزه‌ی حسینی است.

۵) اصلاح حسینی

در یک نگاه کلی می‌توان عصاره‌ی حرکت امام را در احیا دو اصل امر به معروف و نهی از منکر دانست. این دو که گاه به صراحت و یا به صورت ضمنی در سخنان، نامه‌ها و محاورات امام آمده است گویای اهمیت و جایگاه ویژه‌ی آن در نهضت عاشوراست. انحراف اسلام از مسیر اصلی - تحریف و بدعت گذاری - عدم اجرای قوانین الهی، دلبستگی‌های دنیوی عوام و تفاخر و تکاثر خواص و ده‌ها مورد از این قبیل موجب شده بود که احیای این دو فریضه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بیابد.

امام در مقابل ذهنیت برخی که استنکاف از بیعت با یزید را عامل حرکت امام می‌انگاشتند، با صراحت اعلام می‌کنند:

اگر ایشان از تقاضای بیعت من صرف نظر کنند باز هم آرام نمی‌نشینم، زیرا اختلاف من با دستگاه خلافت تنها بر سر بیعت با یزید نیست که با سکوت آنان من نیز سکوت کنم، بلکه وجود یزید و خاندان وی موجب ظلم و شیوع فساد و تغییر در احکام است و این وظیفه‌ی من است که در راه اصلاح این مفاسد با امر به معروف

گویا دنیایی وجود نداشته، آنچنان که آخرت پایدار است. ۵. این اصل که الفیای ایجاد تحول در جامعه است، فراز برجسته‌ی نهضت حسینی است که آزادگان جهان را با شهامت و دلیر مردی آشنا می‌نماید و از تردید و تذبذب در انتخاب هدف پرهیز می‌دهد.

۴) ایثار حسینی

گذشتن از دلخوشی‌های زندگی و نه گفتن به تعلقات آن و خانه و شهر را به نشانه‌ی دفاع از دین و اعتراض اصلاح‌گرا نه ترک کردن، چیزی نیست که بتوان بی‌راحتی از کنار آن گذشت. به استقبال مرگ رفتن و همه چیز را در خدمت احیای دین گرفتن معیار خلوص حرکت‌های آسمانی است و این پیامی است که امام حسین علیه‌السلام در حرکت تاریخی خود آن را جاودانه ساخت.

امام حسین در راهی که پیش گرفته بود از همه چیز خود گذشت و با مدینه و خاطرات شیرین آن وداع کرد

امام در جای جای سخنان خویش اصلاح‌گران را به ایثار گری و دست شستن از مطامع و خوشی‌های زندگی فرا می‌خواند و نسبت به گرفتار آمدن ایشان در چنگال دلخوشی‌های زود پای دنیا هشدار می‌دهد. امام در شامگاه اقامت خود در مکه، شیعیان و نزدیکان را به حضور می‌طلبید و ایشان را به ایثار و فداکاری برای احیای دین خدا دعوت می‌کند و رسماً فرجام این اصلاحات ناگزیر را شهادت خود و یارانش اعلام می‌کند:

من کان باذلاً فینا مهجته و موطناً علی لقاء الله نفسه فلیر حل معنا فانی راحل مصباحاً ان شاء الله.

۳) صبر حسینی

تاریخ کسی را همانند حسین علیه‌السلام نمی‌شناسد. او آموزگار صبر و شکیبایی است. کسی نمی‌تواند مظلومیت او را درک کند و ژرفای مصیبت او را بیابد. آیا کسی می‌توانست در مقابل این طوفان شکننده استوار بماند؟ در مکتب امام پایداری در مقابل مصیبت‌هایی که در طبیعت حرکت‌های اثرگذار نهفته است، جاودانگی است و در این آموزه تحمل تلخکامی‌ها و وقتی با ایمان به خدا همراه باشد نه تنها سخت نیست که میسور و گوار است.

امام وقتی بی‌دفاع‌ترین عضو کاروان خود - علی اصغر (س) - را به خون آغشته می‌یابد، این گونه خود را تسکین می‌دهد که:

هون علی منازل بی‌آنه بعین الله

و در واپسین لحظات حیات با خدای خویش نجوا می‌کند:

صبرا علی قضائک یا رب

امام در دهمین روز نهضت و در آستانه‌ی سپردن رهبری به زینب کبری به وی چنین تعلیم می‌دهد:

یا اختاه تعزى بعزاء الله و اعلمى ان اهل الارض يموتون و اهل السماء لا یبقون و ان کل شیء هالک الاوجه الله الذی خلق الارض

بیان همانندی بعثت (= ظهور اسلام) و عاشورا (= احیای اسلام) است؟!

احیای دین یکی از پیامدهای مسلم نهضت حسین است. به قول سید جمال اسد آبادی اسلام محمدی «الوجود و الحدوث» است و حسین «البقاء و الاستمرار».

۲) امام حسین و انقراض سلسله اموی

یزید فرزند معاویه و نوهی ابوسفیان است. مصلحت اندیشی‌ها و ابن الوقت بودن‌های ابوسفیان و شراب خواری‌ها و خوشگذرانی‌های دور از جماعت معاویه، همه در یزید مرده است.

یزید بر خلاف معاویه کسی نبود که بتواند زن بارگی، شراب خواری و بوزینه بازی خود را پنهان کند. او همه‌ی این مفاصل را نه در خفا که آشکارا مرتکب می‌شد.

امام در جلسه‌ای در پاسخ پیشنهاد بیعت ولید بن عتبه - استاندار وقت - یزید را این گونه معرفی می‌کند:

یزید رجل شارب الخمر و قاتل النفس المحترمه معن بالفسق و مثلی لایباع مثله.

یزید از دیدگاه فرق و در گزارش تمامی مورخین فاسق و فاسد معرفی شده است. ابن حماد حنبلی و ابن جوزی و دیگران یزید را عنصری فاسد و فاسق گزارش کرده‌اند. خاندان بنی امیه به خصوص ابوسفیان و زنش (هند) و خواهرش (حمالة الحطب) و پسرانش (حنظله، یزید و معاویه)، پدرزنش (عتبه)، عموی زنش (شیبه)، برادر زنش (ولید)، پسرعمویش (حکم و مروان) و نوه‌اش (یزید) دمی از توطئه و خیانت علیه اسلام و مسلمانان غافل نبودند. ابوسفیان بزرگ‌ترین آرزویش را بازگشت دوباره به جاهلیت می‌دانست و در این راه از اجرای هر تاکتیکی روی گردان نبود. تلاش ایشان در نفوذ به بدنه‌ی حکومت در دروه‌ی خلافت شیخین و به خصوص عثمان و تظاهر به دوستی و بیعت با علیو آخر الامر طرح خون‌خواهی عثمان و علم کردن پیراهن خونین وی از این جمله است.

معاویه در ادامه همین سناریو خود را پادشاه می‌انگارد و با طرح اخذ بیعت برای یزید وی را واجب‌الاطاعه معرفی می‌نماید و در برابر مخالفت عاشیه بازمامداری یزید به وی می‌گوید:

ان امر یزید قضاء من القضاء ولیس للعباد الخیرة من امرهم

به هر تقدیر این نزاع عمیق اما پنهان و منافقانه بدون کمترین مزاحمت و اعتراضی می‌رفت تا به زعم کاخ نشینان شام به حذف یا استحاله‌ی اسلام منجر شود، اما با قیام امام نه تنها چنین نشد، بلکه دودمان بنی امیه منقرض گردید و ارکان حکومت آنها پس از شهادت امام و بر اساس پیش‌بینی‌های حضرت از هم پاشید.

۳) امام حسین و اصلاحات

روحیه‌ی نخوت و بی‌تفاوتی، جامعه‌ی مسلمانان را در سکوت مرگ بار فرو برده و زمینه را برای هرگونه جنایتی فراهم ساخته بود.

از این پایگاه اطلاعی نداشتند و یا این نهضت را در ردیف هزاران پیش‌آمدی که در بستر تاریخ غبار فراموشی می‌گیرد قلمداد می‌کردند.

بی شک جامعه‌ای که این حرکت در آنپدید آمده است را باید جامعه‌ای برده‌نماید و نخبگان آن را عناصری مسخ شده و بی‌هویت. آیا به چنین جامعه‌ای که روح زندگی از آن ستانده شده و به کالبدی تهی از چراهای انسانی تبدیل گشته است جز این می‌توان نام داد؟

سؤال این است که در سال ۶۱ هجری کسی درد دین نداشته و یا این مخاطرات دینی را جدی نمی‌گرفته است و یا امام - العیاذ بالله - تکلیف کسی را در آن وانفسای دین ستیزی باز نگفته بوده است و یا حرکت کاروان اصلاحات به حدی گمنامانه و سریع بوده که کسی را از خواب نوشین بیدار نساخته است؟!

منبعی تاریخی که وضعیت اجتماعی و چند و چون زندگی خواص جامعه را از این منظر آشکار نماید نداریم، اما بر این باوریم که صدها چهره‌ی تأثیرگذار با سابقه‌ی التزام منبر پیامبر صلی‌الله علیه و آله و علی علیه‌السلام و ده‌ها هزار مسلمان در هنگام شکل‌گیری این جریان در مدینه و مکه زندگی می‌کرده‌اند، اما آنچه هست این است که این مسلمانان مدعی در پستوهای ترس خزیده و روزگار را به مصلحت خلاف جریان عقیده و وجدان خود می‌گذرانده‌اند.

وقتی امام غریبانه به قبر پیامبر صلی‌الله علیه و آله پناه می‌برد و بر ایشان از مسلمانان شکوه می‌کند، کسی بر خود نمی‌گیرد و در هنگام وداع با مدینه جز انگشت شماری از خویشان و نزدیکان با وی همدردی نمی‌کند. آیا این تراژدی مصلحت‌اندیشانه‌ی خواص نشان از مظلومیت امام حسین علیه‌السلام و بی‌تفاوتی آنها نسبت به سرنوشت دین نیست؟ ابه هر تقدیر پیامدهای این نهضت مقدس از فرازهای جاودانه‌ی تاریخ اسلام است که در این بخش به مواردی از آن به اجمال اشاره می‌کنیم.

۱) امام حسین علیه‌السلام و احیای اسلام

به شهادت تاریخ اگر امام و یارانش برای احیای دین قیام نمی‌کردند و خود را در آن وانفسای بدعت و دین ستیزی و نیز قلب واقعیت‌های اسلامی فدای اصلاح و ابقای اسلام نمی‌کردند، اثری از تعالیم ارزشمند دین نمی‌ماند. از این روی به جرئت می‌توان ادعا کرد و آراء و دیدگاه‌های اندیشمندان گروه‌های مختلف اسلامی را به شهادت گرفت که ماندگاری اسلام و تعالیم دیرپای محمدی و امدار جانفشانی امام حسین علیه‌السلام است. آیا این حدیث متواتر که در منابع اهل سنت و امامیه از پیامبر صلی‌الله علیه و آله رسیده است که: «حسین منی و انا من حسین» تفسیری جز این دارد؟ آیا این سخن و احادیث بسیاری که از پیامبر صلی‌الله علیه و آله در خصوص عظمت و منزلت حسین بن علی رسیده است جز

تبعیض نژادی، تکاثر، ریاکاری، فاصله‌ی طبقاتی و... که در قالب تظاهر دینی انجام می‌گرفت فرصت را برای تحریف دین و حرمت شکنی مسلمانان فراهم و اجرای طرح بنی امیه را در ظهور فرهنگ جاهلی مهیا ساخته بود بر اساس مدارک و مستندات تاریخی، این روند که در سایه‌ی همین بی‌تفاوتی‌ها حاصل آمده بود، وضع را به جایی رسانده بود که حکومت با سلب اختیار از مسلمانان، لجام گسیخته به تحکم و تحقیر مسلمانان مبادرت و هر نوع اعتراض و تمردی را سرکوب می‌کرد. ۳۴ امام حسین در پاسخ همین نیاز علم اصلاحات را برافراشت و مسلمانان جامعه را به بیداری و بازگشت به اصالت‌های خود صلاح داد.

این قیام هر چند در ظاهر شکست خورد و به اسارت حرم پیامبر منجر شد، ولی سرانجام به بیداری مسلمانان از غفلت و بی‌تفاوتی انجامید و بذر نفرت عمومی و خشم آشکار از خاندان بنی امیه نیز در سایه‌ی همین اصلاحات ریخته شد. عبد الله بن همام می‌گوید: خشینا الغیظ حتی لوشربنا دماء بنی امیه مارونیا

پر فسور ادوارد معتقد است، گروه شیعه یا طرفداران امام علی، به اندازه‌ی کافی هیجان و از خود گذشتگی نداشتند، اما پس از رخداد کربلا کار دگرگون شد و چنان گشت که نسبت به رنج خطر و حتی مرگ بی‌اعتنا شدند. مردم با اقتدا و تاسی به امام حسین، به عنوان یک عنصر عزت آفرین و نجات بخش، در مقابل حکومت جور ایستادند. این تحول فکری، سر آغاز قیام‌های مسلمانان در قالب توابع و مختار گردید و رنگ خون خواهی به خود گرفت و بسیاری از سرگردگان لشکر ابن سعد را به هلاکت رسانید.

۴) امام حسین و قیام‌های خونین

تأثیر قیام امام حسین بر حرکت‌های انقلابی پس از خود از جمله پیامدهای روشن تاریخی قیام است. این نهضت که سرچشمه‌ی قیام‌های پس از سال ۶۱ هجری بوده است، با قیام توابع به رهبری سلیمان بن صرد خزاعی در کوفه آغاز و در مسیر خود انقلاب‌های زیادی را پدید آورد. نقطه‌ای که این انقلاب‌ها را به هم مرتبط می‌کرد، همان اهدافی بود که در قیام حسینی وجود داشت و در محاورات و سخنان امام آمده است و شاخص‌ترین آن بیعت با یک رهبر انقلابی است که بتواند با تمسک به کتاب و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله مسلمانان را رهبری کند. بدین سان مسلمانان ضمن تأکید بر عدم مشروعیت سلطنت بنی امیه شعار «الرضا من آل محمد» را در اواخر دوره‌ی اموی سرفصل قیام‌های خود نمودند.



در جامعه ای که عبور از چراغ قرمز
منع می شود چگونه با عبور از خط
عفاف برخورد نمی شود؟

شهید بهشتی

 mr.lawyer57

 mehdi_latifi

 gholami313

راههای ارتباطی:



MR.LAWYER57